شمایل

بقایای هواپیمای منهدم‌شده همرشولد در جنگل‌های زیمبابوه-۱۹۶۱

صدوپانزده‌سال پیش درچنین روزی، برابر بیست‌ونهم جولای ۱۹۰۵ میلادی، داگ همرشولد، سیاستمدار، اقتصاددان و دومین دبیرکل سازمان ملل متحد در شهر یونشوپینگ سوئد به دنیا آمد. همرشولد از آوریل ۱۹۵۳ تا هنگام مرگ در ۵۶ سالگی، دبیرکل سازمان ملل بود. او هجدهم سپتامبر ۱۹۶۱ میلادی، زمانی که به‌عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد سرگرم حل مسأله کنگو در قاره آفریقا بود، بر اثر سانحه سقوط هواپیما در زیمبابوه کشته شد. کشف دلایلی مبنی بر احتمال انفجار هواپیمای حامل همرشولد در آسمان، احتمال وجود توطئه‌ای برای قتل او را تقویت کرد. مورخان از این سیاستمدار سوئدی به‌عنوان بهترین دبیرکل سازمان ملل یاد کرده‌اند.

کوانتوم

پادشاه اقلیم ادبیات فرانسه

[شهروند] ویکتور هوگو با نام کامل «ویکتور ماری هوگو» بیست‌وششم فوریه سال ۱۸۰۲ در شهر بزانسون متولد و بیست‌ودوم می ۱۸۸۵ در پاریس درگذشت. هوگو دو برادر به نام‌های هابیل و یوجین داشت و پدرش از ژنرال‌های ناپلئونی بود. والدینش زمانی که او ۱۶ سال داشت از هم جدا شدند. هوگو سال ۱۸۲۲ با آدل فوشه، دوست دوران کودکی‌اش ازدواج کرد. زوج ویکتور و آدل چندین فرزند داشتند: لئوپولد که سال ۱۸۲۳ به دنیا آمد و همان سال درگذشت. لئوپولدین در ۱۸۲۴، چارلز ۱۸۲۶، فرانسوا ویکتور در ۱۸۲۸ و آدل در ۱۸۳۰ به دنیا آمدند.

۱- نخستین داستان او «هان دیسلند» در سال ۱۸۲۳ منتشر شد. اما نخستین رمان بلند و کاملش «نتردام پاریس» در سال ۱۸۳۱ منتشر شد که این اثر در زبان انگلیسی و بسیاری از زبان‌های دیگر به «گوژپشت نتردام» معروف است. کمپانی دیزنی در سال ۱۹۹۶ با اقتباس از داستان گوژپشت نتردام، فیلم-انیمیشنی بلند ساخت.

۲- هوگو برای نگارش معروف‌ترین اثرش، «بینوایان»، برنامه‌ریزی دقیقی کرده بود، چنان‌که در دهه ۱۸۳۰ کار را کلید زد و در سال ۱۸۶۲ آن را به چاپ رساند! چاپ رمان «بینوایان» در طول ۶ سال، درآمدی بالغ بر نیم میلیون فرانک را برای ناشرش به ارمغان آورد. این رمان پنج بخش دارد. به ترتیب: فانتین، کوزت، ماریوس، ترانه کوچه پلومه و حماسه کوچه سن دنی و در آخر ژان والژان. «بینوایان» یکی از بلندترین و طولانی‌ترین رمان‌های تاریخ ادبیات به‌حساب می‌آید.

۳- نقاشی «کوزت جوان» (یکی از شخصیت‌های رمان بینوایان) تصویری است که امیلی بایارد آن را طراحی کرده است. این نقاشی زیر نظر شخص ویکتور هوگو کشیده شده است.

۴- نخستین نمایش موزیکال بینوایان، هشتم اکتبر ۱۹۸۵ در وست‌اِندلندن روی صحنه رفت. تئاتر بینوایان، طولانی‌ترین اجرا در کل تاریخ تئاتر وست‌اِند به‌حساب می‌آید. (وست‌اِندلندن، منطقه‌ای در مرکز شهر لندن است که در آن جاذبه‌های توریستی، مغازه‌ها، ساختمان‌های دولتی و همچنین مراکز سرگرمی مثل سالن تئاتر واقع شده است. نرخ اجاره فضا یا ساختمان اداری در این منطقه از نظر قیمت در رتبه دوم گران‌قیمت‌ترین مراکز در جهان است!)

۵- نمایش موزیکال «بینوایان» چندین جایزه تونی از جمله جایزه «بهترین متن» و «بهترین موسیقی» را از آن خودش کرده است. این نمایش در ۴۲ کشور جهان اجرا و به بیش از ۲۱ زبان ترجمه شده است. همچنین در سال ۲۰۱۲، فیلمی موزیکال با اقتباس مستقیم از داستان بینوایان ساخته و اکران شد.

۶- ویکتور هوگو در کنار سینه چاکان متعصب، مخالفانی هم داشت. مثلاً در سال ۱۸۸۱، عده‌ای از مردم بلژیک، پنجره‌ها و درِ خانه او را شکستند، در حالی که فریاد می‌زدند: «مرگ بر ویکتور هوگو، مرگ بر ژان والژان!» او در سال ۱۸۵۱ و پس از کودتای ناپلئون سوم تصمیم گرفت تا در تبعید زندگی کند. البته هوگو در مقاطعی مورد توجه دربار فرانسه نیز بود به نحوی که در زمان لویی هجدهم، چندین و چند هدیه مختلف و مبلغ ۳ هزار فرانک از طرف پادشاه به دلیل تألیف کتاب‌های شعر و ادبی به او اعطا شد.

۷- هوگو طرفدار جنبش رومانتیسم بود و از لحاظ سیاسی به حزب جمهوری‌خواه گرایش داشت. او همچنین خود را کاتولیک می‌دانست و برای کلیسا احترام زیادی قائل بود.

۸- بخش اعظمی از جمعیت فرانسه در سال ۱۸۸۲ میلادی برای هشتادمین سال تولد ویکتور هوگو جشن مفصلی گرفتند.

۹- هوگو در سال ۱۸۷۸ دچار سکته‌ای خفیف شد.

۱۰- زمانی که هوگو درگذشت، تابوتش یک شب تا صبح زیر «طاق پیروزی» ماند. مراسم تشییع او تقریباً ۶ ساعت طول کشید.

برگردان از thefactsite – مترجم: فاطمه کرمی

تصویر هوگو روی اسکناس ۵ فرانکی

نگاه

زوال کش ماسک، ضامن فناناپذیر، باغ بی‌تقصیر

[ابراهیم عمران] چند عدد ماسک از داروخانه‌ای خریدم. فردا هنگام استفاده درکمتر از نیم ساعت کش‌هایش از بین رفت. برای اعتراض به محل خرید رفتم و گفتم لطفا به تولیدکننده اطلاع دهید کش‌های بهتری هم هستند و تفاوتی هم در قیمت نهایی ایجاد نمی‌شود اگر از آنها استفاده کنند. از سه نفری که در داروخانه بودند هیچ یک واکنشی نشان ندادند. فردی که کنار ایستاده بود گفت بهتر است به جای این حرف‌ها که هیچ فرجامی هم ندارد دعا کنیم زودتر این بیماری رخت بربندد و شاهد چنین بگومگوهایی نباشیم. دیدم نه بحث با داروخانه‌دار فایده دارد و نه ادله و استدلال برای فرد سوم. بهتر دیدم وقتی حقی ندارم برای اعتراض و بدتر از آن به جایی هم نمی‌رسد حرفم، پی کار خویش گیرم و زودتر از داروخانه خارج شوم. پیچ رادیو را که چرخاندم خبری شنیدم بس تعجب‌آور و اعصابم که به خاطر ماجرای داروخانه ناراحت بود، نه تنها بدتر شد بلکه برای مدتی حتی نتوانستم به رانندگی ادامه دهم. خبر این بود در یکی از بانک‌ها از وام‌گیرنده خواسته بودند تا ضامنی بیاورد که احتمال مرگش به این زودی‌ها نرود و به زبان بی‌زبانی مسن نباشد! خب برای امروزم بس بود تا افکارم شوش دوباره در ذهنم جولان دهند. اینکه چرا در جامعه‌مان نمی‌توانیم در مواجهه با کالایی نامناسب اعتراض کنیم، حق را بستانیم و در کل صحبت‌مان خریداری ندارد. دیگر اینکه چرا هیچ مرجع بالاتری نیست تا به معیارهای من درآوردی رسیدگی کند. هرچه اندیشیدم به زبانی ساده و قلمی روان این دوگزاره را کنار هم قرار دهم و ارتباطی معنادار بین آنها برقرار کنم، ره به جایی نبردم تا اینکه سیر حوادث گویا سر ادامه دادن با من داشت و تا شب‌مان شب نمی‌شد، دست از سرم برنمی‌داشت. به محله که رسیدم، دیدم طبق معمول این مدت به‌خصوص بعد از فروردین، باغی که در مجاورت خانه واقع شده، در کوچه‌اش جای پارک پیدا نمی‌شد و بساط جشن و پایکوبی در این اوضاع همه‌گیری کرونا، برپا بود. رفتم به سوپری تا درد و دلی با صاحب آنجا داشته باشم و بگویم چرا این همسایه‌مان رعایت نمی‌کند و این مجالس برای چیست که ابرودرهم کشید و گفت مقصر ایشان نیست چه که کارش اجاره دادن است، خرده بر آنی وارد است که مجلس برپا می‌کند. دیدم فایده‌ای ندارد بحث‌مان، سه‌گانه امروز وامشبم کامل شد. کشی که زود از بین رفت، ضامنی که نباید از دنیا می‌رفت و صاحب باغی که مجلس برپا می‌کرد. وجه و مخرج مشترک این سه مورد در امری است که به اذعان مستشرقان و جامعه‌شناسان داخلی و خارجی مشکل همیشگی‌مان بوده و هست. امور من بچرخد، روزگار بروفق مرادم باشد، دیگران هرچه پیش آید برایشان به من چه! دیدم اگر زیاد مته به خشخاش بگذارم همین اندک تأمل و تفکری که به پیرامون می‌شود، زایل خواهد شد و نیک و خوش‌تر آن است گفته ملک‌الشعرای بهار را مرور کنیم که: گر به نفع دگران کار کنی/ خویش را زبده اخیار کنی/ ور کنی سود خود از رنج طلب/ شهره‌گردی به یکی گنج طلب.

ماضی نه چندان بعید

صدوسی سال پیش درچنین روزی، برابر بیست‌ونهم جولای ۱۸۹۰ میلادی، **ونسان ون‌گوگ**، نقاش پست‌امپرسیونیست هلندی در شهری نزدیک پاریس به نام اورسور اواز به زندگی خود پایان داد. پرتره‌ها، خودنگاره‌ها، مناظر، طبیعت بی‌جان و... نقاشی‌های به جای مانده از این هنرمند هلندی را تشکیل می‌دهند. ون‌گوگ بسیاری از آثار مشهور خود را در دو سال آخر زندگی‌اش تکمیل کرد. او در زمان حیات خود تنها یک تابلو که نام «تاکستان سرخ» را بر خود داشت فروخت، اما اکنون به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین نقاشان تمام اعصار شناخته می‌شود. در انیمیشن «ونسان دوست داشتنی» محصول ۲۰۱۷ که اتفاقات پس از خودکشی ون‌گوگ را به نمایش می‌گذارد، برخی فرضیه‌های مربوط به این حادثه بررسی شده‌اند. به اذعان تاریخ، ونسان ون‌گوگ بر اثر زخم ناشی از شلیک گلوله به شکمش درگذشت. او قبل از مرگ به خودکشی اقرار کرد اما فرضیه‌ای که در انیمیشن «ونسان دوست داشتنی» مطرح می‌شود، روی احتمال قتل او به دست یک جوان مست انگشت می‌گذارد.

جدول

شماره ۲۰۲۹

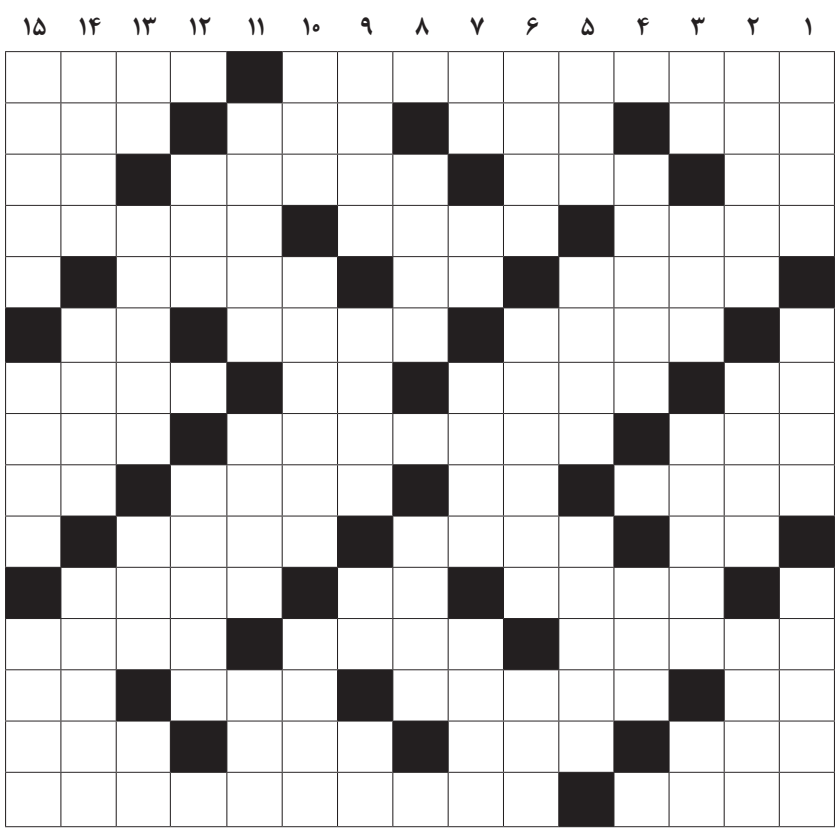

افقی| ۱.به حد فاصل حرم امام حسین(ع) و حرم حضرت عباس گفته می‌شود- ورزش سبک ۲- گل خوشبو- فیلم بهزاد نعلبندی- شهر آرزو- مرتبه اجتماعی ۳- راندن مزاحم- کلس- وسیله‌ای برای اندازه‌گیری قطر لوله- بخار دهان ۴. ناموزون- اصل و نسب- بازیکن رئال مادرید ۵- تفرجگاهی در شمال تهران- شبنم- نوعی خاک رس ۶- خشک- استعمال، استفاده- جوی خون ۷. رودی در ایتالیا- دیدن- خرابکاری اینترنتی- سرشت، نهاد ۸- سدی در تهران- بازو و رو قلدری و به ناحق- ایستگاه قطار ۹- سرمربی پرسپولیس- دشمن سخت- شهریار افسانه‌ای- رود آرام ۱۰. نفس- سرسلسله افشاریه- پرده در ۱۱. آحاد- شاخ حیوان- اژدهای افسانه‌ای یونان باستان ۱۲- اتومبیل ایتالیایی- سلاح خطرناک- اقیانوس کبیر ۱۳- از باشگاه‌های فرانسه- سیخ کباب- بخشش- گشوده ۱۴- سحر باران مغولان- پایتخت سوییس- جرقه آتش- گمراهی ۱۵. سمبل- بزرگ‌ترین غزل سرای سده یازدهم هجری و نامدارترین شاعر زمان صفویه است

عمودی| ۱. پیاده شطرنج- چاق و چله- مرحبا ۲. یاقوت- یگانه و یکتا- انتخاب شماره تصادفی در رایانه ۳. دو رد دهان- جواب مثبت- علم شعبده- علامت جمع ۴- جایزه سینمایی- بلا و مصیبت ۵- نصف نخود- وزیدن باد- ناپیدا ۶. فرمان کارگردان- قله الموت قزوین- از امراض جلدی ۷- صورت- مرغابی- نوگرایی- شهری در لرستان ۸- بیوه- تافتن ۹. سرگرد قدیمی- شراب- یار هم- نیمه تاریک زمین ۱۰. مورچه- نوعی گل سرخ و صورتی- خانه آذری ۱۱. صاحب منصب قزاق که مجلس شورا را بمباران کرد- ترشی بادمجان- گریختن ۱۲. بدبوی پرخاصیت- قسمت کم‌عمق رودخانه ۱۳- باران اندک- پستاندار کوچک درختی آمریکا- تیره‌وتار- حرف صلیب ۱۴- بخش هلالی و سپید ناخن- واحد اندازه‌گیری زاویه- خارشتر ۱۵- غوطه‌ور- طرحی در قالی- غذایی که حداقل یک بار در هفته مصرف آن سفارش شده است
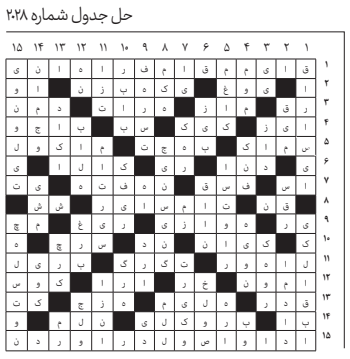
حل جدول شماره ۲۰۲۸